

بمباران انسانیت

۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۴۵

این شد که از وونه گات ، یک سرباز ساده ی ارتش آمریکا ، یک نویسنده ی منتقد و معترض ساخته شد که تا روزی که زنده بود کل ساختار اجتماعی و سیاسی آمریکا را نقد کرد و به سخره گرفت . بسیاری از متفکرین و سیاستمداران انگلیسی و آمریکایی در سالهای بعد تلاش کردند این جنایت گسترده را هم کمرنگ کنند و هم توجیه . با پایین آوردن تعداد کشته شدگان تا حد ۱۲۰۰۰ نفر و با اعلام آنکه تاسیسات و کارخانجات نظامی در شهر وجود داشته اند .

قتل عام ۱۳۰۰۰۰ نفر در دو روز توسط انگلیسی ها و امریکایی هاو یکی از جنجالی ترین موضوعات جنگ جهانی دوم این اتفاق است . ۵۰۰۰ بمب افکن نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا و نیروی هوایی ارتش آمریکا در این بمباران شرکت داشتند و ۳/۹۰۰ تن بمب انفجاری قوی و بمب های آتش زا را طی ۴ یورش ، در کمتر از ۱۵ ساعت بر شهر ریختند و ۳۴ کیلومتر مربع از شهر را ویران کردند. در آتش سوزی بزرگی که در نتیجه بمباران رخ داد بقایای شهر نیز نابود شد. شهر درسدن یک شهر کوچک، قدیمی، زیبا و بدون کارخانجات و تاسیسات نظامی در شرق آلمان بود . به همین دلیل آنرا یک شهر باز (بی دفاع) اعلام کرده بودند . یعنی شهری که در جریان جنگ هیچ نقشی ندارد و دولت آلمان از آن برای مقاصد نظامی استفاده نمی کند و در عوض دشمنان آلمان هم آنرا نباید بمباران کند . اما در ۱۳ فوریه ی ۱۹۴۵ یعنی حدود ۳ ماه قبل از خودکشی هیتلر و شکست آلمان ، ۵۰۰۰ هواپیمای بمب افکن انگلیسی و آمریکایی صدها تن بمب انفجاری و آتش زا را در چهار نوبت مجموعا در عرض ۱۵ ساعت بر روی شهر درسدن ریختند . ابتدا با بمبهای انفجاری شهر را تخریب کردند و سپس با بمبهای آتش زا ویرانه ها را چنان به آتش کشیدند که شهر تا دو روز بعد می سوخت . نتیجه ی این آتش سوزی به گفته ی کورت وونه گات (Vonnegut Kurt) نویسنده ی آمریکایی که خودش در درسدن حضور داشت این شد که ۱۳۴۰۰۰ شهروند درسدنی در پناهگاههای زیرزمینی { مانند کلوچه ی زنجبیلی } پختند . کورت وونه گات در زمان جنگ جهانی دوم به عنوان سرباز ارتش آمریکا به اسارت ارتش آلمان درآمد . سپس براساس سیاست آلمانها که اسرای غیر یهودی را محترم شمرده و تلاش می کردند که آسایش نسبی برای آنها فراهم کنند به همراه گروه بزرگی از اسرا به شهر درسدن منتقل شدند تا از خطر بمباران شهرها در امان باشند .



چون دولت آلمان می دانست که انگلستان و آمریکا بدون ملاحظه ی اسرای خودشان شهرهای آلمانی را پشت سر هم بمباران می کنند. بنابراین اسرای غیر یهودی به شهرهای بی دفاع برده می شدند تا در کنار کار در مزارع و کمک به کشاورزی مردم جانشان هم حفظ شود. کورت وونه گات به عنوان یک آمریکایی ظاهرا تا آخر عمر خود (سال ۲۰۰۷) هرگز نتوانست با این واقعیت تلخ کنار بیاید که آلمانیهای دشمن، او را به درسدن فرستادند تا جانش حفظ شود و هواپیماهای هم وطنش آمدند و بمباران کردند تا او و سایرین کشته شوند. جریان زنده ماندن وونه گات هم شنیدنی است. او در کتاب سلاح خانه ی شماره ی ۵ تشریح می کند که سربازان آلمانی که محافظ اسرا محسوب می شدند آنها را در سردخانه ی یک سلاح خانه ی زیرزمینی حبس کردند. از آنجایی که سردخانه دیوارهای ضخیم فلزی و کاملاً عایق داشت و در عمق زمین ساخته شده بود از حرارت مرگبار آتش سوزی شهر آنها را محافظت کرد و پس از دو روز آنها زنده و سالم بیرون آمدند. اما تا مدتها شغلشان به جای کشاورزی بیرون آوردن اجساد بود. به گفته ی خود وونه گات استخراج اجساد از معادن جسد. این شد که از وونه گات، یک سرباز ساده ی ارتش آمریکا، یک نویسنده ی منتقد و معترض ساخته شد که تا روزی که زنده بود کل ساختار اجتماعی و سیاسی آمریکا را نقد کرد و به سخره گرفت. بسیاری از متفکرین و سیاستمداران انگلیسی و آمریکایی در سالهای بعد تلاش کردند این جنایت گسترده را هم کمرنگ کنند و هم توجیه. با پایین آوردن تعداد کشته شدگان تا حد ۱۲۰۰۰ نفر و با اعلام آنکه تاسیسات و کارخانجات نظامی در شهر وجود داشته اند.

